



اعلام فیلم‌های سال از نگاه منتقدان نیویورک

انجمن منتقدان فیلم نیویورک، فیلم «یک نبرد پس از دیگری» ساخته پل توماس اندرسون را به‌عنوان بهترین فیلم سال ۲۰۲۵ انتخاب کرد. در بخش بازیگری، واگنر مورا برای «مامور مخفی»، عنوان بهترین بازیگر مرد و رز بیرن برای «اگر پا داشتیم، به تو لگد می‌زدم»، جایزه بهترین بازیگر زن را دریافت کردند. بنیسیو دل تورو برای نقش مکمل مرد در «یک نبرد پس از دیگری» و امی مدیگان برای بازی مکمل زن در «سلاح‌ها»، به این مقام دست یافتند. جعفر پناهی با فیلم «یک تصادف ساده» به‌عنوان بهترین کارگردان معرفی شد و فیلم برزیلی «مامور مخفی»، جایزه بهترین فیلم بین‌المللی را از آن خود کرد. جایزه بهترین فیلمنامه به «مارتی سوپریم»، بهترین فیلم اول به «ایفوس»، بهترین فیلمبرداری به «گناهکاران» و بهترین انیمیشن به «شکارچیان شیاطین کی‌پاپ» رسید. مراسم اهدای جوایز ۲۰۲۵ در ژانویه آینده در نیویورک برگزار خواهد شد. این انجمن در سال ۱۹۳۵ تأسیس شده و منتقدان رسانه‌های چاپی و آنلاین، هم‌ساله برگزارندگان را انتخاب می‌کنند.



نقاش فراموش‌شده رکورد شکست

بافروش خوندگاره‌ای از «پائول‌مورزون-بکر» در حراجی «Grisebach» برلین، رکورد گران‌ترین اثر این نقاش آلمانی شکسته شد. خوندگاره کوچک این هنرمند با عنوان «خوندگاره با نگاه به کمی چپ» (۱۹۰۶) با قیمت ۱/۳ میلیون یورو (حدود ۱/۵ میلیون دلار با احتساب کار مزد)، پنج برابر برآورد اولیه فروخته شد. این قیمت جدید در حقیقت دوبرابر رکورد قبلی این هنرمند است که در سال ۲۰۱۳ در همین حراجی برای نقاشی متعلق به ۱۹۰۴ میلادی، «دختری که با کودکی روی پاهایش، در مقابل منظره روی صندلی نشسته‌است» با قیمت ۵۲۵،۰۰۰ یورو فروخته شده بود، به ثبت رسید. مورزون-بکر که سال‌ها از تاریخ هنر کمتر شناخته‌شده بود، اخیراً مورد توجه موزه‌ها و موسسات بین‌المللی قرار گرفته و آثار او در نمایشگاه‌های مونیخ، ژاپن و کلن به نمایش درآمده‌اند. نویسنده زندگینامه مورزون-بکر، او رانستین نقاش زن مدرنیست می‌داند.



انحصار صداوسیما در پخش قرعه‌کشی جام جهانی

پس از اینکه ساترا اعلام کرد، پلتفرم‌های نمایش خانگی اجازه پخش مراسم قرعه‌کشی جام جهانی ۲۰۲۶ را ندارند، معاون کاربران و تنظیم‌گری اجتماعی این سازمان اعلام کرده، دلیل ممنوعیت این است که صداوسیماحقوق انحصاری پخش مراسم به‌زبان فارسی را خریده.
دوروز پیش سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت‌و تصویر فراگیر باهمان ساترا که از نهادهای وابسته به صداوسیماست، در ابلاغیه‌ای رسمی به پلتفرم‌ها اعلام کرد که اجازه انتشار زنده مراسم را ندارند که بسیار واکنش‌برانگیز شد. تا اینکه دیروز عباس سیاح‌طاهری، معاون کاربران و تنظیم‌گری اجتماعی ساترا، توضیح داد این ممنوعیت به‌دلیل خرید انحصاری حقوق پخش توسط صداوسیماست و اتفاق جدیدی محسوب نمی‌شود.
انحصار پخش پیش‌تر در رویدادهایی مانند جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۳ و المپیک ۲۰۲۴ نیز اتفاق افتاده بود. مراسم قرعه‌کشی جام جهانی ۲۰۲۶ فردا در واشنگتن پایتخت آمریکابزرگ‌ار می‌شود.

فرهنگ

CULTURE

۱۴

از شاعر تا قاتل

رمانی درباره کارلوس ویدر شاعری که هنرش در جنایت شکوفا می‌شود



Reuters: تکس



ستاره قره‌باغ‌نژاد

نویسنده

«ستاره دوردست» با نام کارلوس ویدر آغاز می‌شود. این نام تنها یک فرد نیست، بلکه نقطه چرخش تاریخ شبیلی است. زمان ریاست‌جمهوری سالوادور آلنده است. جوانان روشنفکر و شاعر در کارگاه شعر جمع می‌شوند. آنها از شعر، سیاست، نقاشی، سفر، معماری و عکاسی حرف می‌زنند. به آینده و دوران تازه امید دارند. برای آنها رویاها ارزش زندگی دارند. ناگهان سال ۱۳۹۷، با صدای گلوله‌های کودتای پینوشه از راه می‌رسد وتمام رویاها به کابوس بدل می‌شوند. این مقاله می‌کوشد باتکیه بر دیدگاه‌های آدورنو، بنیامین، بودریار و لیوتار به این پرسش‌ها پاسخ دهد که آیا هنر می‌تواند خشونت را بازنمایی کند؟ آیا هنر در برابر فاجعه بی‌گناه است؟ و آیا هنر خودش می‌تواند بخشی از خشونت و فاشنیسم باشد؟

فاجعه شبیه‌سازی می‌شود

آدورنو، نوشتن شعر پس از آشویتس را بربریت دانست، بنیامین در مقاله «اثر هنری در عصر بازتولید مکانیکی» بیان کرد: «هیچ سندی از تمدن وجود ندارد که درعین‌حال سندی از بربریت نباشد.» بودریار در نظریه «شبیه‌سازی» خود تاکید کرد که در جهان پسامدرن فاجعه دیگر به‌طور مستقیم تجربه نمی‌شود، بلکه به‌صورت شبیه‌سازی و تصویر زندگی می‌کند. سرانجام لیوتار مفهوم امر غیرقابل نمایش را مطرح کرد تا نشان دهد که تجربه کامل فاجعه هرگز امکان‌پذیر نیست. بولایو که به تعریف سوزان سونتگ، تاثیرگذارترین و تحسین‌شده‌ترین رمان‌نویس هم‌نسل خودش در جهان اسپانیایی‌زبان است، با ساختار چندصدایی و پراکنده، این

ناممکنی‌ابه‌تصویر می‌کشد.

در ابتدا دانشجویان دانشکده ادبیات در کارگاه شعر جمع می‌شوند، فضا سرشار از آرمان‌گرایی و امید به رشد و تغییر جامعه است، در بین آنها رقابت‌های ادبی و روابط دوستی در جریان است و جهانی را برای خوششان ساخته‌اند که متفاوت از هر چیز دیگری است، در فضای پساکودتا، کارلوس ویدر با همان آلبرتو روئیس تاگله، به ستوان نیروی هوایی تبدیل می‌شود. درواقع او به اسلحه فاشنیسم برای سرکوب مخالفان بدل شده است. شخصیت‌ها ناپدید می‌شوند. خواهران دوقلوی گارمنديا مانند بسیاری دیگر از شیلیایی‌های چپ‌گرا مفقود می‌شوند. بعضی جنازه‌ها سال‌ها بعد در گورستان‌های جمعی رویت می‌شوند، راوی تعریف می‌کند که در همان روزگار آخرین قایق‌های نجات جبهه متحد مردمی غرق

کتاب پنجم‌شنبه

شدند. راوی مانند بسیاری دیگر به زندان می‌افتد. در بازداشت است که شاهد شعرنویسی‌های کارلوس ویدر در آسمان می‌شود. ویدر که خلبان شاعر است در شعرهای آسمان‌نویس خود- یعنی همان شعرهایی که با دود هواپیما در آسمان می‌نوشت - به پاتریشیا و کارمن اشاره می‌کند. دختر به مادرش گفته بود، به دیدن یک دوست می‌رود؛ دوستی که شاعر است. او هرگز باز نگشت. قتل دختران نوجوانی که در کارگاه نویسندگی به مدیریت کمونیست‌ها شرکت می‌کردند با طر‌ف‌دار پابلو‌نرودا بودند، برای شاعر قاتل، بخشی از نوزایی شبیلی محسوب می‌شد. هنرمند فاشنیست تا جایی پیش می‌رود که در خانه‌اش نمایشگاه عکسی از قربانیان خودبرپا می‌کند. هنر در دستان ویدر، اسلحه‌ای برای سرکوب مخالفان است. مرزی میان هنر و خشونت باقی نمانده است.

فرهنگ شاهد خشونت است

تئودور آدورنو، نظریه‌پرداز مارکسیست آلمانی اعلام کرد که ادامه فرهنگ، به‌عنوان چیزی طبیعی پس از فجایع، امکان‌پذیر نیست. او نگران بود که تولیدفرهنگی در «صنعت فرهنگ» جذب‌وهوش نقادانه به‌سادگی به کالایی برای خریدوفروش تبدیل شود. تا جایی که نوشت: «نوشتن شعر پس از آشویتس، بربریت است.» البته در آثار بعدی، آدورنو پذیرفت که رنج دائمی همان حق را برای ابراز دارد که یک انسان شکنجه‌شده برای فریادزدن. اما همچنان باور داشت که آشویتس، شکست فرهنگ را نشان داد. والتر بنیامین، متفکر و زیبایی‌شناس مارکسیست یهودی آلمانی، یکی از چهره‌های برجسته مکتب فرانکفورت و از نظریه‌پردازان فرهنگ و هنر قرن بیستم، دیدگاه آدورنو را رادیکال‌تر کرد و بیان نمود، هر اثر تمدنی هم‌زمان سندی از بربریت است. ماتریالیست‌های تاریخی باید تمدن را انتقادی ببینند و تاریخ را بر خلاف جهت غالب بخوانند؛ زیرا فاتحان تاریخ همچنان سلطه دارند و روایت‌های خود را تحمیل می‌کنند. بولانیو، ادبیات را دراین‌زمینه قرار می‌دهد و از آن برای بررسی تقاطع حافظه، عدالت‌طلبی، انتقام و خشونت استفاده می‌کند. فرهنگ با فجایع روبه‌رو می‌شود، با بربریت بر خورد دارد و نمی‌تواند بی‌طرف بماند. فرهنگ شاهد خشونت‌نی است که تاریخ می‌خواهد پنهان کند. بنیامین مفهوم «هاله» را معرفی می‌کند که تجربه‌یگانه‌مواجهه با اثر هنری در حضور فیزیکی آن است. او معتقد است، رسانه‌های جمعی این هاله را از بین می‌برند و هنر را از ساحت قدسی به حالت نمایشی می‌کشانند. نتیجه این وضعیت، زیبا جلودادن جنگ و خشونت است. فاشنیسم باعث می‌شود، خودوبرنگری انسان به‌صورت لذت‌زیبایی شناختی تجربه‌شود.

شبیه‌سازی وضعیت هایپر رئال

ژان بودریار؛ فیلسوف، جامعه‌شناس و نظریه‌پرداز فرهنگی فرانسوی، بیان می‌کند در جهان مدرن ما دیگر با واقعیت مستقیم سروکار نداریم، بلکه با تصاویر وبازنمایی‌هایی طرفیم که جای واقعیت را گرفته‌اند. این تصاویر مانند تبلیغات، رسانه‌ها و هنر ایدئولوژیک، نه‌فقط باتاب واقعیت بلکه جایگزین واقعیت می‌شوند. او این وضعیت را هایپررئال با واقعیت حاد می‌نامد. کارلوس ویدر، نمونه‌ای از این شبیه‌سازی است. او هنر را به‌عنوان نمایش زیبایی شناختی به‌کار می‌گیرد. هنر او درواقع پوششی برای خشونت و قتل است. مابه‌جای واقعیت قتل‌ها و جنایت، یک تصویر هنری از جنایت می‌بینیم. هنر ویدر، شبیه‌سازی است که خشونت را زیبا جلوه می‌دهد تا جایی که مرز میان زیبایی و وحشت مخدوش می‌شود. در نگاه بودریار، این دقیقاً همان جایی است که ایدئولوژی‌های توتالیتر مانند فاشنیسم عمل می‌کنند. مردم، نه‌خود جنایت، بلکه تصویر شبیه‌سازی‌شده آن را می‌بینند. جوامع پسامدرن از تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی اشباع شده و به عصر شبیه‌سازی وارد شده‌اند. در دوران مدرن، هنر واقعیت را بازنمایی می‌کرد. اما در دوران پسامدرن؛ این رابطه به‌هم‌ریخته، مرز واقعیت و بازنمایی ازبین‌رفته، گاهی رابطه آن‌ دو عکس شده و واقعیت، تقلیدی از بازنمایی گشته است. عدم‌توانایی

تماشاگر باشد، نتیجه آن است که نمایشنامه به‌جای اینکه درباره نژاد، جنسیت یا مذهب خاصی باشد، شیوه‌ای را برمی‌گزیند که ما براساس همین برجسب‌ها قضاوت می‌کنیم. این تمهید البته بی‌نقد نیست. جامعه امروز با جزئیات دردناک تبعیض سروکار دارد؛ تبعیضی که با حذف برجسب‌ها ناپدید نمی‌شود. بااین‌حال، قدرت نمایشنامه در این است که تماشاگر را وادار می‌کند از خود بی‌پرسد، چرا برداشت‌اش از یک شخصیت با تغییر ظاهری بازیگر عوض می‌شود؟ این پرسش ساده اما پرنده، مخاطب را درگیر مسئولیت شخصی خودش در تولید پیش‌داوری می‌کند. در تقابل علم و ایمان نیز ایک کوشیده بی‌طرف بماند، اما نتیجه همیشه به تعادل نمی‌رسد. دکتر ولف، زبانی منطقی و استدلالی دارد، حال آنکه خانواده مذهبی بیشتر در موقعیت دفاع احساسی قرار می‌گیرند. ازاین‌جهت، نمایشنامه‌گاهی وزن را نادلانه روی دوش شخصیت اصلی می‌اندازد و فضای گفت‌وگوی واقعی میان دو جهان‌بینی را کم‌رنگ می‌کند. بااین‌همه جدال میان علم و ایمان در متن، یکی از لحظات جسته‌نمایش است؛ جدالی که نشان می‌دهد حقیقت لزوماً در انحصار هیچ کدام نیست.

رسانه، سیاست و دادگاهی که هیچ چیزش ساده نیست

بخش مهمی از «دکتر» به میدان‌داری رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی اختصاص دارد. ایک تصویری نسبتاً تیره از فضای رسانه‌ای ارائه می‌دهد؛ مضامیه‌های گزینشی، موج‌های حمله آنلاین، تحلیل‌های سطحی و قضاوت‌های ازپیش‌ساخته. او نشان می‌دهد که چگونه حقیقت در این هیاهو گم می‌شود و چگونه هر طرف ماجرا، تنها بخش‌هایی از واقعیت را انتخاب می‌کند که با باور خودش سازگار

معرفی کتاب

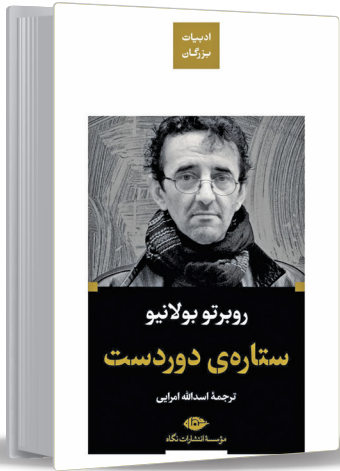
ستاره دوردست

نویسنده: روبرتو بولانیو

مترجم: اسد الله امرایی

انتشارات: نگاه

قیمت: ۲۲۵ هزار تومان



ناممکنی‌ابه‌تصویر می‌کشد.

در ابتدا دانشجویان دانشکده ادبیات در کارگاه شعر جمع می‌شوند، فضا سرشار از آرمان‌گرایی و امید به رشد و تغییر جامعه است، در بین آنها رقابت‌های ادبی و روابط دوستی در جریان است و جهانی را برای خوششان ساخته‌اند که متفاوت از هر چیز دیگری است، در فضای پساکودتا، کارلوس ویدر با همان آلبرتو روئیس تاگله، به ستوان نیروی هوایی تبدیل می‌شود. درواقع او به اسلحه فاشنیسم برای سرکوب مخالفان بدل شده است. شخصیت‌ها ناپدید می‌شوند. خواهران دوقلوی گارمنديا مانند بسیاری دیگر از شیلیایی‌های چپ‌گرا مفقود می‌شوند. بعضی جنازه‌ها سال‌ها بعد در گورستان‌های جمعی رویت می‌شوند، راوی تعریف می‌کند که در همان روزگار آخرین قایق‌های نجات جبهه متحد مردمی غرق

دشواری داوری عادلانه؟ مسئله این است

«دکتر» نوشته رابرت ایک نمایشنامه‌ای در باره دشواری قضاوت در جهانی شتاب‌زده است



یاسمین طاهرزاده

دانشجوی ادبیات

نمایشنامه «دکتر» اثر رابرت ایک، از دل یک موقعیت پزشکی آغاز می‌شود. دکتر روت ولف، یکی از پزشکان برجسته مؤسسه‌ای علمی، در واپسین لحظه مرگ بیماری نوجوان، اجازه نمی‌دهد کشیشی مذهبی وارد اتاق شود. تصمیمی که او آن را کاملاً حرفه‌ای و علمی می‌داند، به‌سرع ت به موضوعی جنجالی بدل می‌شود؛ رسانه‌ها درگیر می‌شوند، شبکه‌های اجتماعی به غلیان درمی‌آیند و جامعه‌ای چندپاره در برابر هم صف می‌کشد. ایک از این نقطه آغازین، نمایشی خلق می‌کند که صرفاً درباره یک اختلاف پزشکی نیست، بلکه درباره سازوکار قضاوت در دنیای امروز است؛ دنیایی که در آن فاصله میان یک تصمیم فردی و بحران اجتماعی، به کوتاهی فشاردادن یک دکمه انتشار در تلفن همراه است. در این میان، ایک بیش ازآنکه در پی پاسخ باشد، می‌خواهد بپرسد. اینکه اما حق با دکتر است یا با خانواده مذهبی دختر، اهمیت کمتری نسبت به این پرسش دارد که جامعه چرا نمی‌تواند اختلافی را بدون خشونت، بدون قضاوت‌های فوری و بدون برجسب‌زنی حل

معرفی کتاب

دکتر

نویسنده: رابرت ایک

مترجم: آناهیتا آقاطاهر

انتشارات: نی

قیمت: ۱۸۰ هزار تومان

کند؟ نقطه‌قوت کار ایک در همین است؛ او بحران را فقط روایت نمی‌کند، بلکه زیرساخت‌های آن را نشان می‌دهد.

هویت‌های محو و پیش‌داوری‌های آشکار

یکی از جسورانه‌ترین ایده‌های ایک این است که هیچ‌گاه به‌صراحت مشخص نمی‌کند شخصیت‌ها چه نژاد، جنسیت یا پس‌زمینه‌ای دارند. او این مسئولیت را به دوش کارگردان‌ها و بازیگران می‌گذارد تا هر اجرا، آینه‌ای تازه برای